



دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

موضوع:

# مقایسه تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامعلی سیفی زیناب

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر هادی وحید

نگارش:

ابراهیم ماژانی

۱۳۸۸/۰۷/۲۲

۱۳۸۸

کتابخانه دانشگاه گیلان  
سنة ۱۳۸۸

۱۴۳۰۰۳

گرچه برای کسب دانش دانشگاه را نیز با فراغ بال سپری کرده ام، بارالها ساغرم را  
از صهبای خود لبریز کن که در جام جانم جز مینای عشق تو ننگجد.

پدرم (حسن رضا) که در بستر خاک جغرافیایی بیرجند آرمیده و ردای مذهب بر  
تن داشت و از دل سوختگان دین و عاشقان وطن بود و همواره راه نمایم، و مادرم  
(بانو لیلی ایزدپناه) که شیره جانش باغ آرزوهای مرا شکوفا کرده است و گوهر سیال  
جانم از سرچشمه زلال خاندانم سرخی گرفته است مرا بر آن داشت تا دل را به  
دست کاروان علم سپارم و مروارید عشق را در صدف جانم پیرورانم.

از هستی، یارانی موافق از مردان و زنان روزگار دارم خصوصا استادانم آقای دکتر  
غلام علی سیفی زیناب (استاد محترم راهنما) و آقای دکتر هادی وحید (استاد محترم  
مشاور) که همگی بر ساحل دریای طوفانی روحم مرا می نگرند و هادی ام بوده اند.

## دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

نام خانوادگی: ماژانی	نام: ابراهیم
سال ورود: ۱۳۸۴	رشته تحصیلی: حقوق خصوصی
استاد راهنما: جناب آقای دکتر غلامعلی سیفی زیناب	تاریخ فراغت از تحصیل:
عنوان رساله: مقایسه تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم	

### چکیده

همه افراد دارای حق تمتع بوده و خواهان اجرای آن در جهت بر طرف کردن نیازهای خود می‌باشند. اما گروهی که به دلیل نقص در اهلیت محجور نامیده و شامل صغیر، سفیه و مجنون می‌شوند توسط قانون در اجرای حقوق خود منع یا محدود شده‌اند. به منظور حمایت از ایشان قانون گذار پیش بینی نموده که ولی قهری و قیم به نمایندگی از محجور اداره امور او را به عهده گیرند و در این زمینه اختیارات قابل توجهی را به آنها اعطا نموده و تکالیفی نیز به عهده‌شان گذارده است. هر چند بیشتر تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم مشابه بوده اما تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. این نوشتار در صدد است که با توجه به اینکه تا کنون تحقیق جامعی در این زمینه صورت نگرفته است، به تشخیص، بررسی و مقایسه تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم بپردازد. قانونگذار حدود اختیارات و تکالیف ولی قهری را بیان ننموده و آن را منوط به رعایت غبطه و مصلحت مولی علیه دانسته که به دلیل وجود رابطه نسبی و خونی با محجور نیز فرض را هم بر رعایت آن قرار داده است. اما در خصوص قیم به دلیل تفاوت در نوع رابطه و اهمیت احتیاط در رعایت غبطه و مصلحت محجور، تکالیف و اختیارات او بیان شده و اجرای آن تحت نظارت دادستان و با اخذ مجوز از وی خواهد بود.

### کلید واژگان

ولی قهری، قیم، محجور، صغیر، مجنون، غیر رشید، تکالیف، اختیارات

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	نشانه‌های اختصاری
۱	مقدمه
<b>فصل مقدماتی: مفهوم ولی قهری، قیم و محجور</b>	
۷	گفتار نخست: مفهوم ولایت و اقسام آن
۷	۱- مفهوم ولایت
۸	۲- اقسام ولایت
۸	الف. ولی عام
۹	ب. ولی خاص
۱۲	گفتار دوم: مفهوم قیمومت و اقسام آن
۱۲	۱- مفهوم قیمومت
۱۴	۲- اقسام قیمومت
۱۴	الف. قیم غیرموقت
۱۵	ب. قیم موقت و اتفافی
۱۷	گفتار سوم: بررسی مفاهیم مشابه
۱۷	۱- حضانت
۱۹	۲- سرپرستی
۲۳	۳- امانت
۲۴	۴- نمایندگی قراردادی
۲۶	گفتار چهارم: محجور
۲۷	۱- صغیر
۳۳	۲- غیر رشید

- ۳- مجنون ..... ۳۵
- ۴- شبه محجور ..... ۳۶

### فصل دوم: مقایسه تکالیف ولی قهری و قیم

- گفتار نخست: مقایسه تکالیف ولی قهری و قیم در امور غیر مالی ..... ۴۱
- ۱- مسائل مرتبط با خانواده ..... ۴۱
- الف. حضانت ..... ۴۱
- ب. ازدواج ..... ۴۶
- ج. ازدواج دختر رشیده باکره ..... ۵۱
- د. طلاق ..... ۵۳
- ه. نفقه ..... ۵۴
- و. درمان ..... ۵۷
- ۲- طرفیت دعوا و اقامه دعوا ..... ۵۷
- الف. امور حقوقی ..... ۵۸
- ب. امور کیفری ..... ۶۰
- ۳- امور سجلی ..... ۶۳
- ۴- امور ثبتی ..... ۶۴
- گفتار دوم: مقایسه تکالیف ولی قهری و قیم در امور مالی ..... ۶۷
- ۱- اداره اموال ..... ۶۸
- الف. تهیه صورت از دارایی و اعلام آن ..... ۶۸
- ب. نگهداری از اموال ..... ۶۹
- ج. فروش اموال ضایع شدنی ..... ۷۱
- د. در وجوه زائد بر احتیاج ..... ۷۲
- ه. هزینه اداره اموال ..... ۷۳
- ۲- ترکه و افراز ..... ۷۴
- الف. مهر و موم ترکه ..... ۷۴
- ب. تقسیم ترکه ..... ۷۵
- ج. افراز املاک مشاع ..... ۷۶

- ۳- دادن تضمین ..... ۷۷
- ۴- دادن حساب زمان تصدی ..... ۷۸
- ۵- پرداخت دیه در جرائم خطائی ..... ۸۰

### فصل سوم: مقایسه اختیارات ولی قهری و قیم

- گفتار نخست: مقایسه اختیارات ولی قهری و قیم در امور غیر مالی ..... ۸۳
- ۱- تعیین نایب ..... ۸۳
- ۲- وصیت ..... ۸۷
- الف. تعیین وصی ..... ۸۸
- ب. انشاء وصیت ..... ۹۲
- ۳- اشتغال به کار ..... ۹۲
- ۴- اقرار ..... ۹۴
- ۵- قسم ..... ۹۶
- ۶- اجرای قصاص یا اخذ دیه ..... ۹۶
- ۷- معاف نمودن پزشک از پرداخت دیه ..... ۱۰۰

### گفتار دوم: مقایسه اختیارات ولی قهری و قیم در امور مالی

- ۱- انجام معامله با خود ..... ۱۰۳
- ۲- فروش اموال ..... ۱۰۷
- الف. اموال منقول ..... ۱۰۷
- ب. اموال غیر منقول ..... ۱۰۸
- ۳- رهن ..... ۱۱۱
- الف. رهن گذاردن ..... ۱۱۱
- ب. قبول رهن ..... ۱۱۳
- ۴- قرض ..... ۱۱۴
- الف. قرض دادن ..... ۱۱۴
- ب. قرض گرفتن ..... ۱۱۵
- ۵- انجام معامله منجر به مدیونیت ولی قهری یا قیم در مقابل مولی علیه ..... ۱۱۷
- ۶- صلح ..... ۱۱۷
- الف. صلح دعوی ..... ۱۱۸



ب. صلح در مقام معامله .....	۱۱۹
۷- حق شفعه.....	۱۲۰
۸- اعمال حقوقی مجبور.....	۱۲۲
الف. وصیت.....	۱۲۲
ب. وقف.....	۱۲۴
ج. ودیعه.....	۱۲۵
د. عاریه.....	۱۲۶
ه. وکالت.....	۱۲۷
نتیجه.....	۱۲۸
فهرست منابع.....	۱۳۴

## نشانه های اختصاری

جلد	ج
رجوع کنید	ر. ک
شماره	ش
صفحه	ص
قانون آیین دادرس کیفری	ق. آ. د. ک
قانون آیین دادرس مدنی	ق. آ. د. م
قانون امور حسبی	ق. ا. ح
قانون تجارت	ق. ت
قانون ثبت اسناد و املاک	ق. ث
قانون ثبت احوال	ق. ث. ا
قانون کار	ق. ک
قانون مدنی	ق. م
قانون مجازات اسلامی	ق. م. ا

## مقدمه

همه اشخاص با زنده متولد شدن دارای اهلیت تمتع هستند یعنی می‌توانند دارای حق باشند ولی ممکن است اهلیت استیفاء، یعنی توانایی اجرای حق را نداشته باشند. افرادی که فاقد اهلیت استیفاء هستند، محجور نامیده می‌شوند. محجورین کسانی هستند که به علت صغر سن یا نقص یا اختلال قوای دماغی نمی‌توانند در امور خود آزادانه تصرف نموده و اعمال حقوقی که برای ادامه حیات انسان لازم است را انجام دهند.

مصلحت محجورین ایجاب می‌کند که اشخاصی موظف به اداره امور آنان باشند. بدین منظور قانونگذار نهادهایی برای حمایت از محجورین پیش‌بینی کرده است. این نهادها در حقوق ایران عبارت از ولایت قهری، وصایت و قیمومت است.

ولایت قهری عبارت است از سلطه و اقتداری که شرع و قانون به منظور حمایت از بعضی محجورین و برای اداره امور مالی و غیر مالی آنان به پدر یا جد پدری واگذار نموده است. بنابراین از آنجا که این سمت بدون اراده و اختیار و به صورت اجباری و به خاطر حفظ استحکام خانواده به پدر و جد پدری داده شده است، به آن قهری گفته می‌شود.

قیمومت نوعی از ولایت است که به منظور حمایت از محجورین وضع شده است. این ولایت که نه قهری و نه حکم قانون ایجاد می‌شود و نه قرارداد در استقرار آن نقشی دارد، سمتی عمومی و قضایی است که در آن شایستگی قیم بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد.

از این رو قیم کسی است که از طریق مرجع قضایی صلاحیت دار برای اداره امور مالی و غیر مالی شخص محجور و صغار فاقد پدر و جد پدری تعیین می‌گردد.

کلیه افراد خواهان اجرا و اعمال حقوق خود در جهت بر طرف کردن نیازها در راستای علایق و

سلايق می باشند. اما گروهی به دليل نقص در اهليت ، توانایی شان توسط قانون محدود يا ممنوع شده است. به منظور حمايت از ايشان قانونگذار پيش بينی نموده که ولی قهری و قيم به نمايندگی از محجور اداره امور او را به عهده گیرند که در اين راستا اختيارات قابل توجهی را به آنها اعطا نموده و تکالیفی نیز برعهده شان گذارده است.

قانون، تصدی امر سرپرستی ولايت بر ايشان را با تعيين حدود صلاحيت، برعهده اين افراد گذارده است تا آنچه به مصلحت آنان است را انجام دهند. انجام پاره‌ای امور، در شمار وظايف و تکالیف ولی قهری و قيم قرار داده شده که خودداری از اجرای آن باعث ضمان و حتی سبب عزل ايشان نیز می‌شود. اين تکالیف برخی در حوزه امور غير مالی و برخی در حوزه امور مالی قرار می‌گیرند.

شخصی که به نمايندگی از طرف قانون مال ديگری را اداره می‌نماید بايد اقدامات او در اداره امور، در حدود متعارف باشد. متعارف در اداره‌ی اموال غير رعايت غبطه و مصلحت اوست، خواه نماينده قانونی مانند پدر، جد پدری و وصی منصوب از طرف آنها باشد، خواه نماينده قضایی که از طرف دادگاه تعيين می‌شود، مانند قيم.

اداره امور محجور مستلزم اعطاء اختیاراتی به سرپرست او اعم از ولی قهری يا قيم می‌باشد تا قادر به انجام اداره امور مولی‌عليه گردند. اختيارات ولی قهری و حدود آن را قانون معين و بيان نموده است. اما به دليل روابط عاطفی و خونی میان ولی قهری و محجور، قانونگذار فرض را بر اين نهاده است که مصلحت مولی‌عليه رعايت می‌شود، بنابراین به موجب ماده ۱۱۸۳ ق.م او را نماينده قانونی مولی‌عليه در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی قرار داده است.

اختيارات قيم به وسعت اختيارات ولی قهری نمی‌باشد و به دليل رابطه‌ای که بين قيم و محجور وجود دارد، فرض مذکور موضوعیت پیدا نمی‌کند و احتیاط ایجاب می‌کند که قيم در پاره‌ای از تصرف‌های مهم يا در مواردی که در معرض اتهام قرار می‌گیرد، مورد نظارت دادستان واقع شود و از بعضی تصرفات، به کلی ممنوع شود.

### علت انتخاب موضوع

هرچند بیشتر تکالیف و اختيارات ولی قهری و قيم مشابه می‌باشد اما درعين حال تفاوت‌هایی نیز

مشاهده می شود.

با توجه به این که تا کنون تحقیق جامعی در این زمینه صورت نگرفته است لذا تشخیص ، بررسی و مقایسه تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم علت انتخاب این موضوع برای رساله کارشناسی ارشد اینجانب بوده است.

### سوالات تحقیق

۱. آیا ولی قهری در انجام پاره ای از امور مولی علیه مکلف به اخذ اجازه و تایید اقدامات خود توسط دادستان است؟
۲. در مسائل مرتبط با خانواده آیا قیم دارای تکالیف و اختیارات ولی قهری می باشد؟
۳. آیا ولی قهری و قیم می توانند اختیارات خود در اداره امور محجور را به غیر واگذار نمایند؟
۴. آیا قیم به مانند ولی قهری می تواند برای بعد از فوت خود وصی تعیین کند و اختیارات خود را به او تنفیذ نماید؟
۵. آیا قیم تکلیفی در پرداخت دیه در جرایم خطایی محجور دارد؟
۶. آیا اذن قیم محجور بیمار، در برائت پزشک موثر است؟
۷. آیا محدودیتی در اعمال اختیارات قیم در انجام معاملات برای محجور وجود دارد؟

### فروض تحقیق

۱. از آنجا که ولی قهری نیز به نمایندگی از مولی علیه اقدام می نماید و اصیل نمی باشد، پس انجام امور مولی علیه خصوصا در مواردی که در آن سود یا ضرر محتمل است، همانند قیم مستلزم نظارت نهاد یا اخذ مجوز از نهادهایی همچون دادستان می باشد.
۲. به نظر می رسد قبول سمت قیمومت، بیشتر بر پایه احسان و همیاری با محجور باشد، بنابراین شاید نتوان قیم را مکلف به اجرای تکالیفی نمود که برای ولی قهری در امور خانواده از قبیل پرداخت نفقه وجود دارد.
۳. ولی قهری که می تواند برای پس از فوت خود جهت اداره امور مولی علیه وصی تعیین کند

در زمان حیات خود نیز می تواند برای انجام پاره ای از امور وکیل اختیار نماید. ولی از آنجا که قیم پس از احراز صلاحیت، توسط دادگاه تعیین می شود، نمی تواند شخص دیگری را به عنوان وکیل در اجرای امور محجور تعیین نماید.

۴. قیم نمی تواند برای بعد از فوت خود که در آن زمان دیگر سمتی ندارد وصی جهت اداره امور مولی علیه تعیین نماید.

۵. شناسایی تکلیف برای قیم در پرداخت دیه جنایات طفل و مجنون (جرائم خطائی) در فرضی است که بتوان قیم را جزء عاقله آنها در نظر گرفت.

۶. باتوجه به اینکه مطابق بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی انجام هر نوع عمل جراحی و طبی مشروع با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آن ها ممکن است بنابراین اذن قیم در براءت پزشک موثر می باشد.

۷. با توجه به اینکه قیم در هر صورت مکلف به رعایت مصلحت و غبطه مولی علیه خود می باشد، بنابراین نمی تواند مبادرت به انجام معاملاتی نماید که احتمال ورود ضرر و زیان به مولی علیه وجود دارد.

### روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای صورت گرفته است که باتوجه به اقتباس مقررات مربوط به حقوق اشخاص از فقه امامیه سعی گردیده است به نحو گسترده ای از نظرات و اندیشه های فقهای صاحب نام امامیه نیز استفاده شود. البته لازم به ذکر است که علاوه بر مطالعه و بررسی کتب حقوقی و فقهی موجود، تجارب و رویه حاکم بر دایره سرپرستی اشخاص و محجورین دادسرای عمومی و انقلاب تهران و سازمان پزشکی قانونی نیز به تناوب مورد بهره برداری قرار گرفته است.

### ساختار

به منظور پاسخ گویی به پرسشهای مزبور در بندهای قبلی این تحقیق در سه فصل مطرح می گردد. فصل مقدماتی تحت عنوان مفهوم ولی قهری، قیم و محجور مشتمل بر چهار گفتار می

باشد که نخست مفهوم ولایت و اقسام آن، سپس در گفتار دوم مفهوم قیمومت و اقسام آن، در گفتار سوم بررسی مفاهیم مشابه ولی قهری و قیم و در گفتار چهارم محجور مورد بررسی قرار می گیرد. فصل اول با عنوان مقایسه تکالیف ولی قهری و قیم دارای دو گفتار است که ابتدا در گفتار نخست تکالیف و اختیارات ولی قهری و قیم در حوزه امور غیر مالی بیان و با یکدیگر مقایسه می شود، سپس در گفتار دوم این امر در خصوص تکالیف ولی قهری و قیم در حوزه امور مالی صورت می پذیرد. فصل پایانی نیز به مقایسه اختیارات ولی قهری و قیم اختصاص یافته است که ابتدا در گفتار نخست در حوزه امور غیر مالی و در نهایت در گفتار دوم در حوزه امور مالی، مصادیق و نحوه اجرای آن طرح، بررسی و مقایسه می شود.

---

فصل مقدماتی:

مفهوم ولی قهری، قیم و محجور

---



اشخاص از لحاظ وضعیت یا حالتی که در آن قرار دارند، دارای شرایط یکسانی نیستند؛ بلکه بعضی تنها با حمایت‌های عام قانونی می‌توانند روابط خود را تنظیم، و یا نیاز و خواسته‌های خویش را طبق معیارهای عقلایی استیفاء نمایند، ولی برخی از چنین توانایی، به صورت موقت و یا دائم محرومند. بدین ترتیب نیازمند حمایت‌های خاص و ویژه قانونی می‌باشند. همه اشخاص دارای اهلیت تمتع یا به عبارت دیگر توانایی بهره‌مندی و دارا شدن حق می‌باشند (ماده ۹۵۸ ق.م)، اما برخی که محجور نامیده می‌شوند از آنجا که توانایی اجرای حق را ندارند فاقد اهلیت استیفاء هستند. همه انسان‌ها در مرحله‌ای از دوران زندگی خود (دوره صغر) از اجرای حقوق و تصرف در اموال خود ممنوع هستند و حتی ممکن است صغیر بعد از رسیدن به سن بلوغ، به علت اینکه رشد کافی برای اداره امور خود ندارد نیز محجور باشد. همچنین برخی از افراد از کودکی مبتلا به اختلال قوای دماغی هستند و این حالت بعد از رسیدن به سن بلوغ ادامه می‌یابد و نیز ممکن است شخص پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد مبتلا به جنون یا سفه گردد.

قانونگذار به منظور حمایت از محجورین پیش‌بینی نموده تا اشخاصی که قادر به اداره امور و رعایت مصلحت آنان می‌باشند، مکلف به مدیریت امور محجورین گردند. بنابراین محجور می‌تواند از طریق این افراد که در حقوق ما قیم، ولی قهری یا وصی می‌باشد، حقوق خود را استیفاء نماید. در این فصل سعی شده است مفهوم ولی قهری، قیم و محجور که ارکان اصلی این پایان‌نامه را تشکیل می‌دهند به همراه مفاهیم مشابه به تفصیل شرح داده شود.

## گفتار نخست: مفهوم ولایت و اقسام آن

### ۱. مفهوم ولایت

ولایت بر فتح یا کسر واو از مصدر ولی (بر وزن فلس) در لغت به معنای نزدیکی و قرابت<sup>۱</sup>

---

۱. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷، ص ۳۴۵

دوست داشتن، دوست شدن، یاری دادن، دست‌یافتنی، تصرف کردن و سلطه پیدا کردن می‌باشد<sup>۱</sup>  
همچنین واژه ولایت به معنی متکفل کار کسی شدن نیز آمده است.<sup>۲</sup>  
ولایت در اصطلاح فقهی به دو معنی عام و خاص آمده است.

## ۲. اقسام ولایت

### الف. ولی عام

اگرچه در اکثر کتب فقهی از ولایت تعریفی ارائه نشده است اما عده‌ای از فقها در تعریف ولایت به معنی عام گفته‌اند عبارت از سلطه و اقتداری است که شخص بر جان یا مال دیگری و یا هر دو آنها پیدا می‌کند.<sup>۳</sup> ولایت در این معنی مطلق قدرت و اقتدار به تصرف در چیزی است و در این معنی ولایت از آن پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع)، پدر و جد پدری، وصی، حاکم و عدول مؤمنین (در صورت تعذر حاکم)<sup>۴</sup> می‌باشد. عده‌ای از حقوقدانان نیز به این معنی صحه گذاشته‌اند.<sup>۵</sup> اما در اصطلاح حقوق ایران به نظر می‌رسد که ولایت به معنی عام، شامل تمام مواردی است که شخص از نظر قانون در امور شخصی و مال دیگری دارای اختیار کلی و یا محدود و جزئی باشد. بنابراین در تعریف ولایت به معنای عام که بیشتر سلطه و تصرف و اقتدار در امور مالی غیر است از نظر حقوقی می‌توان گفت که ولایت نمایندگی قهری یا قانونی پاره‌ای از اشخاص است نسبت به کسانی که به علت صغر، جنون، سفه، اعسار، ورشکستگی و امور دیگر کلاً یا جزئاً از اداره امور خود به خصوص از اداره اموال و امور مالی خود منع شده‌اند. به تعبیر دیگر ولایت به معنای عام هم شامل حفظ حقوق خود اشخاص محجور (صغیر، مجنون و غیر رشید) است و هم برای حفظ حقوق طلبکاران افرادی

۱. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، ج مربوط به واو، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۱

۲. داعی‌الاسلام، سید محمدعلی، *فرهنگ نظام*، ج ۵، تهران، انتشارات دانش، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۲۶۴

۳. آل بحر العلوم، سید محمد، *بلغته الفقیه*، ج ۳، تهران، انتشارات مکتب‌الصادق، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ص ۲۱۰

۴. انصاری، شیخ مرتضی، *مکاسب*، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعات دینی، قم، ۱۳۷۰، صص ۱۵۳ و ۱۵۵. نجفی،

محمدحسن، *جواهرالکلام*، جلد ۶، دارالکتاب الاسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، صص ۱۰۵ و ۱۰۱.

۵. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، خانواده*، ج ۲، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص

است که از تصرف در امور مالی خود منع شده‌اند. این ولایت که از فحوای ماده ۱۱۹۴ و سایر مواد قانون مدنی و قوانین دیگر فهمیده می‌شود، شامل ولایت مادر در حضانت طفل<sup>۱</sup>، پدر و جد پدری<sup>۲</sup>، وصی منصوب از طرف یکی از آنان در حضانت و اداره اموال مالی محجور<sup>۳</sup>، قیم در حضانت و اداره اموال مالی محجور<sup>۴</sup>، مدیر تصفیه در کلیه اختیارات و حقوق ورشکسته<sup>۵</sup>، بستانکاران معسر در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار<sup>۶</sup> و حاکم<sup>۷</sup> می‌باشد.

## ب. ولی خاص

در این معنا، ولایت همچون معنای عام آن، در قوانین ایران از جمله قانون مدنی و قانون امور حسبی که دو جایگاه مهم بحث ولایت می‌باشند تعریفی ارائه نشده است اما با توجه به قوانین مذکور و به خصوص مفاد مواد ۱۱۸۰ تا ۱۱۹۴ قانون مدنی می‌توان ولایت به معنی خاص را چنین تعریف نمود: ولایت به معنی خاص عبارت از سلطه و اقتداری است که قانونگذار برای اداره امور صغیر، مجنون و غیر رشیدی که جنون و عدم رشد آنها متصل به صغر باشد، به پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان واگذار نموده است. این تعریف دارای سه رکن بوده که عبارتند از ولی، مولی علیه،

---

۱. م ۱۱۶۹ ق. م.

۲. م ۱۱۸۱ ق. م. «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند»

۳. م ۱۱۸۸ ق. م. «هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.»

۴. م ۱۲۳۵ ق. م. «مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است»

۵. م ۴۱۸ ق. ت. «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.»

۶. م ۳۶ ق. اعسار مصوب ۱۳۱۳ «در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار، که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد طلبکاران او قائم‌مقام مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کنند.»

۷. م ۱۲۲۴ ق. م «حفظ و نظارت اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود.»

موضوع ولایت. ولی در این تعریف، عبارت از پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان است و به کسی که عهده‌دار سمت ولایت به معنای خاص باشد، ولی خاص گفته می‌شود. در مورد ولایت پدر و جد پدری هیچ صلاحیتی شرط نیست بنابراین در تعریف ولایت نمی‌توان گفت که ولایت قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذی‌صلاح واگذار شده است.<sup>۱</sup> زیرا چنین تعریفی فقط در مورد قیم و وصی صادق است و شامل ولی قهری نمی‌شود چرا که داشتن صلاحیت از نظر قانون در ولایت ولی قهری هیچ تأثیری نداشته و فقط ممکن است در صورت ثبوت عدم صلاحیت ولی قهری به دلیل خیانت و عدم رعایت غبطه مولی‌علیه و ارتکاب اقداماتی که موجب ضرر او شود به تقاضای یکی از اقارب طفل یا درخواست رئیس حوزه قضایی، پس از اثبات، دادگاه ولی را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید (ماده ۱۱۸۴ ق.م). از این رو ابتدا تنها چیزی که در ولایت ولی قهری (پدر و جد پدری) لازم است صرفاً داشتن رابطه نسبی و خونی است.

موضوع ولایت هر چند که قانون مدنی به صراحت پدر و جد پدری را نماینده قانونی مولی‌علیه در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی دانسته اما چنانکه برخی بیان داشته‌اند<sup>۲</sup> فقط اموال و حقوق مالی مولی‌علیه نبوده بلکه بعضی از امور غیر مالی از قبیل نگهداری و مواظبت شخص مولی-علیه، اعمال حق قصاص، نکاح (ماده ۱۰۴۱ ق.م)، طلاق (ماده ۱۱۳۷ ق.م) و غیره نیز به عهده ولی است. حال که تعریف ولایت به معنای خاص مشخص شد باید گفت که ولایت به معنی خاص نیز بر دو نوع است ۱- ولایت قهری ۲- ولایت وصی.

### ولایت قهری

هر چند این اصطلاح در کتب فقهی به خصوص فقه امامیه دیده نمی‌شود، اما اطلاق ولی قهری به افرادی که در قانون مدنی ایران ذکر شده‌اند مشابه و عین همان مفهومی است که برای ولایت پدر و جد پدری در فقه وجود دارد. بنابراین به کارگیری واژه ولی قهری از ابتکارات قانون مدنی ما

۱. صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰.

۲. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ص ۲۰۲.